

## نقش عوامل اقتصادی در ایجاد امنیت پایدار مناطق مرزی (با تاکید بر استان سیستان و بلوچستان)

مرضیه دارائی<sup>۱</sup>، فرشته عرب<sup>۲</sup>، بهروز مختاری<sup>۳\*</sup>، علی ریگی<sup>۴</sup>، آیدین رادنیاه<sup>۵</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۳- کارشناس جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۵- کارشناس جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

M\_A\_Daraei@yahoo.com

### چکیده

طی سال‌های گذشته شاهد بودیم که در ارتباط با امنیت مرزها بیشتر روی عواملی مثل انسداد مرزها و تجهیز نیروهای مرزبانی تاکید شده است. در این میان به مولفه‌های غیر امنیتی مثل مسائل اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی توجهی نشده است. در حال حاضر در شهرهای مرزی بیشترین آمار بیکاری وجود دارد. و از طرف دیگر بیشترین آمار جمعیت کیفری در بحث قاچاق کالا و مواد مخدر نیز به این مناطق تعلق دارد. بنابراین باید این مسائل را در ارتباط با هم مورد تحلیل قرار بدهیم تا به دلایل نامنی مناطق مرزی پی ببریم. استان س و ب با داشتن ۱۲۵۰ کیلومتر مرز خشکی و ۳۱۰ کیلومتر مرز آبی در چابهار با دو کشور نا امن و بی ثبات افغانستان و پاکستان از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌آید. طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز مناطق مرزی پیوسته به دلیل نبود رفاه و انگیزه لازم برای زندگی زمینه‌ساز مشکلات امنیتی بوده است. در واقع فقدان اشتغال - نازل بودن درآمد - و عدم دسترسی به نیازهای اولیه عمده‌ترین مشکلات اجتماعی و اقتصادی مناطق مرزی است. یکی از عمده‌ترین مشکلات مناطق مرزی مهاجرت مرز نشینان به دلیل نبود انگیزه لازم برای زندگی در این مناطق است در حالی که برای ایجاد امنیت در ۱۵۶۰ کیلومتر مرز این استان حضور مردم در مناطق مرزی ضروری است. در این راستا تحقیقات نشان می‌دهد که عمده‌ترین مسائل مربوط به ناامنی مرزها ناشی از شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق است که می‌تواند محیطی مناسب جهت ناامنی و تحریک در فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی در مرزها گردد. در واقع توجه به مسائل اقتصادی و ایجاد بازارچه‌های محلی از مولفه‌های ایجاد امنیت در مناطق مرزی می‌باشد. بنابراین این در این مقاله با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی به بررسی امنیت در مرزهای استان سیستان و بلوچستان پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** شهرهای مرزی - امنیت - مسائل اقتصادی - مسائل اجتماعی

### مقدمه:

مسئله امنیت در مرزها روند توسعه و امنیت کشور را متاثر کرده به طوری که کشورهایی که مناطق مرزی آنها درگیر ناامنی است دریافته‌اند که به دلایل مختلف این ناامنی‌ها گسترش یافته و به تدریج کل کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهند. استان سیستان و بلوچستان با داشتن ۱۱۰۰ کیلومتر مرز خشکی و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در چابهار با دو کشور بی‌ثبات و ناامن افغانستان و پاکستان همجوار بوده و از مناطق استراتژیک و حساس کشور است که در آن اجرای پروژه‌های اقتصادی ارتباط

مستقیم با امنیت دارد. در گذشته وجه سخت افزاری امنیت بر وجه نرم افزاری آن مقدم بوده است ولی امروزه روز به روز بر اهمیت وجه نرم افزاری امنیت افزوده می شود به این معنی که در گذشته عوامل اجرایی و فیزیکی امنیت مثل پلیس، قاضی، اسلحه، انسداد مرزها و ..... بیشترین تاثیر را در تامین امنیت داشته اند اما در حال حاضر جنبه ی نرم افزاری از قبیل عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی و..... حرف اول را در تامین امنیت می زنند. در واقع فقدان اشتغال و نازل بودن در آمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه عمده ترین مشخصه های اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی است و یکی از عمده ترین مشکلات مناطق مرزی خالی شدن از سکنه و مهاجرت مرزنشینان در اثر نبود انگیزه لازم برای زندگی در این مناطق است در حالی که برای ایجاد امنیت در ۱۵۶۰ کیلومتر مرز این استان حضور مردم در مناطق مرزی ضروری است. مفهوم امنیت در مرزها به معنی جلوگیری از هر گونه اعمال منافی قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه های مجازی مرزها است بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه ای محکم برای امنیت کشور در ابعاد مختلف امنیت است و هر گونه ناامنی در مرزها در سیستم های اقتصادی و اجتماعی کشور اخلال ایجاد می کند و در مقابل امنیت مطلوب مرزها می تواند در توسعه کل کشور سهم بر جسته ای داشته باشد در این راستا تحقیقات نشان می دهد که عمده ترین مسائل مربوط به ناامنی مرزها ناشی از شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق است که می تواند محیطی مناسب جهت ناامنی و تحریک در فعالیت های اقتصادی غیرقانونی در مرزها گردد در واقع ناامنی مناطق مرزی ارتباط مستقیم با عدم تعادل مناطق مرزی و مرکزی دارد و همچنین با گسترش ناامنی و توسعه نیافتگی مناطق مرزی نتایج آن بلافاصله در کل کشور تاثیر دارد. بنابراین نوشتار حاضر با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی به بررسی امنیت در مرزهای استان سیستان و بلوچستان پرداخته است.

#### مبانی نظری:

**امنیت:** امنیت واژه ای مبهم، چندوجهی و بین ذهنی است. در عین حال تمامی افراد جامعه وجود یا عدم وجود آن را به طرز ملموسی درک می کنند. احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی تعریف عامی از این واژه است. با این وجود با توجه به ابعاد گوناگون امنیت مانند مادی، روانی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مباحث پیچیده و گسترده ای در خصوص تعریف امنیت شکل گرفته است. علاوه بر ابعاد گوناگون امنیت، تعریف امنیت در سطح ملی و بین المللی و رابطه این دو با یکدیگر نیز از دیگر مسائل مورد نظر در تعریف و بررسی مفهوم امنیت می باشد. به طور کلی به نظر می رسد که ارائه تعریف دقیق از امنیت بسیار مشکل است.

تنها ادعای دقیق (و در عین حال همگرا و گسترده) آن است که بگوییم «امنیت در سطوح فردی، ملی و بین المللی دارای عناصر مادی و روانی بوده و در وجوه مختلف نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قابل بحث است.» با این حال تعریف امنیت ملی در دوره های زمانی مختلف متفاوت بوده است. رویکرد سنتی به امنیت ملی که با اندیشه های واقع گرایانه همراه است، عمدتاً بر شاخص های مادی و امنیت نظامی تمرکز می نماید. از این نظر، سایر ابعاد امنیت از اهمیت چندانی برخوردار نبوده و صرفاً ابزارهایی برای تأمین امنیت نظامی هستند. این برداشت از امنیت، در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ گفتمان امنیتی مسلط در جامعه دانشگاهی بود.

فروپاشی شوروی و کاهش تهدیدات نظامی علیه قدرت های بزرگ نظام بین الملل، گفتمان امنیتی مسلط دوران بعد از جنگ جهانی دوم را دگرگون کرد.

بسیاری از محققان معتقدند که با پایان یافتن جنگ سرد و تغییرات ژئوپلیتیکی بعد از آن، سیاست ها و برداشت های سابق در مورد منافع و امنیت ملی کشورها منسوخ شده اند و بازنگری بنیادین در منافع و سیاست ها ضروری است. در این راستا، توجه به نقش عوامل و خواسته های اقتصادی در بازتعریف اهداف و سیاست های امنیت ملی به شدت در حال گسترش است. در

دوران جدید، شاخص‌های روانی امنیت و ابعاد غیرنظامی آن نیز مهم تلقی می‌شوند. به گونه‌ای که در بسیاری از موارد ابعاد اقتصادی و فرهنگی امنیت از اولویت بالاتری نسبت به امنیت نظامی برخوردار شده‌اند. در این میان افزایش اهمیت امنیت اقتصادی و پیشبرد منافع اقتصادی کشورها (بویژه کشورهای بزرگ دنیا) در نظام بین‌الملل موجب شد که بخش قابل توجهی از ادبیات تولید شده در زمینه امنیت در دوره پس از جنگ سرد به این موضوع اختصاص یابد. «امنیت اقتصادی» عبارت از وجود مستمر شرایط لازم برای ایجاد بهبودی مداوم در شرایط کار و تولید، وجود استانداردهای بالای زندگی برای شهروندان شامل فرصت‌های شغلی پویا و خلاق، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی پایدار یا منافع ملی اقتصادی می‌باشد. همانطور که از تعریف امنیت اقتصادی برمی‌آید، منافع اقتصادی و قدرت ملی کشور دو فاکتور تعیین‌کننده در پیشبرد امنیت اقتصادی هستند.

منافع اقتصادی تعیین‌کننده اهداف سیاست‌های اقتصادی (اعم از سیاست‌های امنیتی اقتصادی) است و میزان قدرت ملی نیز نشان می‌دهد که توان کشور برای حفظ امنیت اقتصادی و پیشبرد منافع ملی اش به چه میزان است. بدین ترتیب می‌توان گفت، همانطور که حفظ و پیشبرد کامل امنیت ملی علاوه بر تمرکز بر ابعاد نظامی نیازمند توجه به ابعاد اقتصادی است، حفظ و پیشبرد امنیت اقتصادی نیز وابسته به قدرت ملی در ابعاد مختلف آن (اعم از توانمندی اقتصادی و نظامی) است. در واقع قدرت اقتصادی و سایر ابعاد قدرت ملی مکمل یکدیگر و عوامل بازتولیدکننده همدیگرند. قدرت نظامی بستر امنیتی و قدرت سخت ملی برای ایجاد ساختارهای زیربنایی اقتصادی و شکل‌گیری بستر مناسب برای رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر قدرت اقتصادی نیز با تولید ثروت، منابع لازم برای افزایش و حفظ قدرت نظامی را ایجاد می‌نماید. به همین ترتیب امنیت نظامی و امنیت اقتصادی نیز مکمل و سازنده یکدیگرند و نمی‌توان یکی را بدون دیگری تصور کرد. اساساً امنیت نظامی واقعی بدون وجود امنیت اقتصادی (که لازمه رشد اقتصادی است)، شکل نمی‌گیرد و در صورت ایجاد نیز تداوم نخواهد داشت. امنیت اقتصادی و نظامی به طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند. یکی از پیچیده‌ترین مباحث در خصوص وابستگی متقابل امنیت و قدرت نظامی و اقتصادی به یکدیگر، نقش هر کدام از آنها در حفظ و پیشبرد دیگری و چگونگی بهره‌برداری از سیاست‌های اقتصادی در راستای اهداف نظامی و امنیتی و بالعکس می‌باشد. نوشتار حاضر تلاش می‌کند، ابعاد اقتصادی امنیت ملی و نقش سیاست‌های اقتصادی در پیشبرد امنیت ملی کشور که متأثر از امنیت شهرهای مرزی است را نشان دهد (دانشنامه سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۱، ۳۱، ۳۱، ۱).

این نوشتار تلاش می‌کند، تمیین دقیق و عملگرایانه‌ای از رابطه میان اقتصاد و امنیت ارائه دهد.

**بازارچه‌های مرزی:** بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور در جوار گمرکات مرزی که در نقاط صفر مرزی مطابق با استانداردهای تعیین شده توسط دولت به صورت مستقل یا در قالب تفاهم‌نامه منعقد شده بین ایران و کشورهای هم‌جوار تاسیس می‌شود و در آنجا با حضور نماینده گمرک، تشریفات ترخیص کالای مجاز برای مبادلات مرزی صورت می‌گیرد، مرزنشینان می‌توانند کالاها و محصولات مجاز خود را با رعایت مفاد این قانون در بازارچه مرزی مشترک مبادله کنند.

#### فرضیه:

توسعه اقتصادی به ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی کمک می‌کند.

#### روش تحقیق:

با توجه به موضوع تحقیق، حوزه مطالعاتی و مسائل آن، در پژوهش حاضر ترکیبی از روشهای توصیفی تاریخی و تحلیلی استفاده شده که مراحل آن به شرح زیر میباشد:

۱- جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها مورد نیاز از منابع معتبر

۲- بررسی و مطالعه ی کتب و اسناد مختلف مرتبط با موضوع

۳- تحلیل و نتیجه گیری.

### موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان :

استان سیستان و بلوچستان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۲۰ دقیقه طول شرقی واقع گردیده که از شمال به استان خراسان ، و از شرق در مرزی به طول ۱۱۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان و پاکستان ، از مغرب به استان های کرمان و هرمزگان و از جنوب با ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی به دریای عمان محدود می شود. (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۵، ص ۵) مساحت کل استان ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع بوده که از این نظر با ۴/۱۱ درصد از مساحت کل کشور در رتبه اول استان های کشور قرار دارد ( سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان ، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

خصوصیات و ویژگی های استان سیستان و بلوچستان را عواملی از جمله : وسعت زیاد ، پراکندگی ، رشد سریع و جوان بودن جمعیت ، همجواری و همسایگی با دو کشور معضل خیز پاکستان و افغانستان ، محرومیت اقلیمی و شرایط زیستی ، گسترش در عرض جغرافیایی ، شیوه های معیشتی ، محرومیت تاریخی ممتد و عقب ماندگی در زمینه های صنعتی ، کشاورزی و خدماتی ، تنوع قومی ، فرهنگی و مذهبی مرزنشینان منطقه با اقوام کشورهای همجوار ، کمبود شدید زمینه های اشتغال سالم ، وجود زمینه های فراوان گرایش افراد بیکار به فعالیت های غیر قانونی و ..... را تشکیل می دهد . و این استان از نظر طبیعی در قسمت شمال ، هموار و در قسمت جنوب غلبه ، ناهمواری ها غالب می باشد . حداقل ارتفاع استان از سطح دریا ۷ متر مربوط به شهرستان چابهار و حداکثر ارتفاع از سطح دریا ۱۴۰۰ متر مربوط به شهرستان خاش می باشد (ملک ریزی ، ۱۳۸۱، ص ۵) . استان سیستان و بلوچستان بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ دارای جمعیتی بالغ بر ۲۴۰۵۷۴۲ نفر بوده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان و بلوچستان، ۱۳۸۵، ص ۶۱) .

### عوامل ایجاد نا امنی در استان سیستان و بلوچستان :

کشور ایران با توجه به اینکه کالبد طبیعی سرزمین آن با ارائه تواناییهای بالقوه موضعی، حاوی اختلافات بس عمیق در زمینه بازدهی محیط است، بنابراین این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی خود موجب گسیختگی عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت شده و فضاهای خالی و پرتراکمی را ایجاد می کند. به ویژه اینکه، بخش وسیعی از سرزمین ایران در مناطقی قرار دارد که با توجه به خست و خشونت طبیعت، بازده آنی و صرفه اقتصادی را برآورده نمی کند (سرور ، ۱۳۸۴، ص ۳۹). علاوه بر آن تمرکزگرایی در سیاست های رشد و توسعه اقتصادی، نابرابری های منطقه-ای را در کشور به دنبال داشته است. که از دید تئوریک، این نابرابری باعث بهره گیری نامتناسب از فضا، جابجایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم شده است. هر چند نابرابری های فضایی در درجه نخست به قابلیت های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد اما نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و چگونگی سرمایه گذاری ها سبب می شود تا از قابلیت های محدود نیز درست استفاده نشود ( یاسوری ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۱۱ تا ۲۱۲) . در جنوب شرق ایران، مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان یکی از بارزترین موارد نابرابری فضایی را به لحاظ توسعه اقتصادی در کشور داراست که به دلیل دور افتادگی، پرت بودن، در حاشیه بودن و به ویژه گسستگی فضای سرزمینی آن از بقیه کشور، تأثیر گذاری این منطقه در مقیاس کشوری را بسیار کم رنگ کرده و باعث شده که این استان یکی از مناطقی باشد که با توجه به قابلیت های طبیعی و سیاست های اقتصادی حاکم بر کشور جزو توسعه نیافته ترین استان های کشور شود. این عدم توسعه در منطقه مرزی جنوب شرق و وضعیت بد اقتصادی و ناتوانی در تامین مایحتاج زندگی خود از راههای قانونی باعث شده است که مردم این مناطق که عموماً

نیز به خاطر کمبود اشتغال در این مناطق بیکار می باشند بازچه سرمایه داران بزرگ قرار گرفته و اقدام به واردات کالا از طریق غیر قانونی برای این افراد بکنند و در مقابل آن دستمزد بسیار اندکی را دریافت کنند. این مسئله به همراه مسائل زیر زمینه نامنی را در این منطقه فراهم کرده و بصورت های مختلف زندگی مردم را در این منطقه تحت شعاع قرار داده است .

۱- توسعه نیافتگی مناطق مرزی (به عنوان مهمترین مسئله )

۲- قاچاق کالا و مواد مخدر

۳- حضور قدرت های سلطه گر فرا منطقه ای و مافیاهای مواد مخدر

۴- وجود تفاوت های قومی و مذهبی در استان

۵- همجواری با کشور های بی ثبات و نا امن افغانستان و پاکستان

### تاثیر توسعه نیافتگی در ایجاد نامنی ها در مناطق مرزی استان :

هر کشوری برای تعیین امنیت خارجی نیاز به امنیت داخلی دارد که ایجاد این امنیت داخلی مستلزم توسعه اقتصادی است در واقع عقب ماندگی و عدم توسعه اقتصادی نوعی نا امنی است اصول نظری امنیت بر گرفته از دیدگاه های توسعه محور قائل به توسعه به عنوان شرایط ایجاد امنیت است . بنابراین چهار چوب این بخش قائل به ضرورت داشتن دیدگاهی جامع نگر در مورد امنیت و به ویژه امنیت مناطق مرزی است .

#### ۱- دیدگاه تقدم امنیت بر توسعه :

این نگرش معتقد به انجام توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی می باشد . بر این اساس نخست باید امنیت برقرار باشد تا در مرحله دوم توسعه صورت گیرد . به عبارت دیگر معتقدین به این دیدگاه تحقق امنیت را شرط لازم و مقدم بر تحقق توسعه می دانند . به این ترتیب در حقیقت با اولویت قایل شدن به ( امنیت ) توسعه را ابزار تحقق امنیت می دانند . ویژگی کشورهای معتقد به چنین دیدگاهی به طور عمده عبارت است از استقرار منابع حیاتی در مناطق مرزی هم جوار با کشورهای همسایه وجود سوابق تاریخی برخورد و ستیز بر این منابع داشتن موقعیت استراتژیک ممتاز و پر اهمیت مناطق مرزی و نیز تمرکز نقاط و مناطق زیست و فعالیت در نزدیکی مناطق مرزی آن هاست به طور طبیعی چنین کشورهایی نخست مناطق مرزی مورد بحث خود را بسیار با اهمیت و حیاتی می دانند و در وهله دوم اولویت در ان مناطق را حفظ امنیت و تضمین تعلق ان ها به کشور ما در قلمداد می کنند .

#### ۲- نگرش تامل به تقدم توسعه بر امنیت :

این نگرش معتقد به تحقق امنیت از طریق توسعه است . محور اقتصاد بر این نظریه استوار است که از طریق توسعه می توان به امنیت رسید . از این رو اولویت اول به توسعه و اولویت دوم به امنیت داده می شود در واقع محور این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه نیافتگی عامل اصلی نا امنی است . بر این اساس برای تحقق امنیت در مناطق مرزی ابتدا باید توسعه به ان مناطق وارد شود و سپس نتایج توسعه در تحقق و استقرار امنیت کمک کند به طور کلی می توان از توسعه به عنوان ابزار برقراری امنیت در این مناطق استفاده کرد .

#### ۳- نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت:

در این نگرش عقیده غالب بر ان نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم هستند بلکه ارتباط هم عرض و هم سنگ توسعه و امنیت برای ان حائز اهمیت است . اهمیت امنیت در کشورهایی که به این دیدگاه متعقد هستند با اهمیت توسعه هم سنگ و در ارتباط با یکدیگر است . به عبارت دیگر در این کشورها درک متقابلی از توسعه و امنیت دیده می شود . بر اساس دیدگاه های بالا می توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه مستقیم و دو سویه با یکدیگر می باشند . به عبارت دیگر توسعه و امنیت تاثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند به گونه ای که هر اقدامی در فرایند

تحقق توسعه و رفاه ساکنان مناطق مرزی تاثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت آن منطقه و تبع آن امنیت ملی دارد و بالعکس به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیت بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردار هستند. از طرف دیگر بین عوامل کالبدی و نیز کالبدی امنیت و توسعه تاثیرات مستقیم و متقابلی وجود دارد. لذا تاثیرات پیچیده و متقابل این عوامل بر هم نظام یا سیستمی را تشکیل می‌دهد. که هر گونه اقدامی در تقویت هر یک از عوامل مزبور تاثیرات متقابلی را بر عوامل دیگر می‌گذرد. این بدان معنی است که هر گاه در منطقه ای طرح‌های توسعه فیزیکی مانند احداث تاسیسات تولید و صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی به مورد اجرا گذاشته شود شاخص‌های توسعه نیز فیزیکی هم چون سواد هم‌گرایی اجتماعی و فرهنگی هم‌گرایی با دولت مرکزی و نیز شاخص‌های امنیت مانند میزان بزهکاری و عبور عبور قانونی از مرز و آن چه به طور عمومی ناامنی خوانده می‌شود را تحت تاثیر قرار می‌دهد در نتیجه می‌توان تصریح نمود. که هر گاه ناامنی در منطقه ای گسترش یابد و جو آرام و این لازم برای توسعه آن منطقه محقق نشود عوامل و عناصر موثر بر توسعه از آن منطقه کوچ کرده و منطقه با شرایط توسعه نیافتگی مواجه می‌گردد و بر اساس آن چه اشاره شده اصول چهارچوب نظری آمایش مناطق مرزی با تاکید بر توسعه و امنیت به شرح زیر ارائه می‌گردد: نخست آن که دو مقوله (( توسعه )) و (( امنیت )) در ارتباط با مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر بوده و توسعه در مناطق مرزی نقش تعیین کننده ای در فرایند تحقق امنیت فراگیر در کل جامعه دارد از سوی دیگر تحقق رابطه منطقی میان امنیت و توسعه در منطق مرزی مستلزم توجه خاص و جامع‌نگر به مولفه ای توسعه موثر بر امنیت و مولفه های امنیتی بر توسعه می‌باشد چنین ارتباطی مستلزم برخورداری از دیدگاهی منسجم و نظام مندمیان این دو مقوله بوده و در نتیجه عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرکزی و مرزی منجر به کاهش امنیت مطلوب در مناطق مرزی می‌گردد بر این اساس برنامه ریزی توسعه ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه ای ملی فراملی امنیت بوده و هر گونه برنامه ریزی توسعه ای در مناطق مرزی مستلزم تامین زیر ساخت‌های لازم و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی می‌باشد. نکته مهم این که میان (سلسله مراتب توسعه ای) و (سلسله مراتب امنیتی) مناطق مرکزی و مناطق مرزی رابطه وجود دارد برقراری چنین رابطه ایی موجبات تحقق (تعادل توسعه ای و امنیتی) را فراهم می‌آورد و از این جهت توسعه در مناطق مرزی توجه به ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی مرز را می‌طلبد.

#### بررسی پیشینه قاچاق کالا در استان سیستان و بلوچستان:

در سطح منطقه بلوچستان جنوبی، مرکزی و سواحل خلیج فارس، تجارت برده و طلا سابقه ای طولانی داشته و این امر تا هنگامی که انگلیسی‌ها در اواخر قرن نوزدهم جلوی آن را گرفتند، ادامه داشت. از اوایل قرن بیستم با بروز جنگ میان انگلیسی‌ها و افغان‌ها و نیز انگلیسی‌ها و بلوچ‌ها تجارت غیر قانونی سلاح و مهمات از رونق قابل توجهی برخوردار شد و پاره ای از قبایل و طوایف بلوچ در تجارت پر منفعت اسلحه و رساندن آن به بلوچ‌های متخاصم و نیز نیروهای افغانی درگیر با انگلیسی‌ها نقش موثری ایفا کردند. عملیات حمل اسلحه قاچاق از مسقط شروع می‌شد. تجار بوشهری و نمایندگان و شرکای مسقطی آن‌ها اسلحه را تهیه می‌کردند و از آنجا بلوچ‌ها و افغانه اسلحه را می‌خریدند و توسط کشتی به ساحل مکران (سواحل جنوبی بلوچستان ایران) حمل می‌کردند. روءسای طوایف بلوچ آن نواحی جنس را تحویل گرفته، تا مسافتی داخل بلوچستان که محدوده قدرت آنها بود می‌بردند و از آنجا دسته ای دیگر آن را دریافت کرده، به همین طریق به گروهی دیگر می‌سپردند و این کار همین طور تا افغانستان و رسیدن محموله قاچاق به دست صاحبان آن ادامه داشت. به مرور از میان رفتن زمینه تجارت به سلاح سبب شرایط سیاسی و تسلط و نفوذ دولت مرکزی در دوران پهلوی امکان غارت و نیز قاچاق اسلحه، این جریان در فرایند تحول خود، جاییش را به قاچاق کالا‌هایی که در بازار داخلی تقاضا برایشان وجود داشت؛ از قبیل انواع پارچه و البسه لوازم خانگی سبک و ارزان قیمت، دارو و برخی کالا‌های مصرفی دیگر سپرد. به تدریج از ساله ای اولیه دهه چهل، امکان عرضه و نیز تقاضای داخلی برای این کالاها بیشتر شد و به تبع آن، آمیختگی و کسب مهارت در

کار قاچاق نیز فزونی یافت و مردم منطقه نیز گرایش بیشتری به سوی این پدیده پیدا کردند. در بدو امر قاچاق کالا بیشتر در محدوده بلوچستان جنوبی و مرکزی - که ارتباط سهل تری با دریا و کشور های حاشیه خلیج فارس داشت - رواج یافت و کالا ها پس از ورود به منطقه ، توسط کاروان های قاچاق پس از گذر از داخا استان از مسیر کویر به شهر های مرکزی کشور نظیر استان اصفهان ، کاشان و حوالی تهران حمل می شدند. و از آنجا در سطح کشور توزیع می گردیدند. در آن هنگام شهر زاهدان در مراحل اولیه رشد خود بود و مرکزی برای باراندازی و سازماندهی قاچاق کالا محسوب نمی شد و فقط به مقدار محدود و به منظور رفع برخی از نیاز های مردم شهر ، برخی از کالاهای قاچاق که بیشتر کالاهای پاکستانی بود از مسیر میرجاوه و تفتان به این شهر حمل می شد . به تدریج با رشد و توسعه شهر زاهدان ، این شهر به عنوان یکی از مراکز اصلی در امر تهیه و توزیع کالاهای قاچاق در کنار سایر مراکز درآمد و رشد قطبی خود را سرعت بخشید و حوزه نفوذ و عملکرد خود را تا اقصی نقاط کشور توسعه داد یعنی از سال ۱۳۵۰ تا اکنون . (کلهر و همکاران ، ۱۳۸۷ ، ص ۴۳).

### بررسی پدیده قاچاق کالا :

پدیده قاچاق کالا و یا تجارت زیر زمینی ، به نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی گفته می شود. این پدیده یکی از دغدغه هایی است که کشورهای در حال توسعه با آن درگیرند . در کشور ما نیز این امر واقعیتی کتمان ناپذیر است. که به دلایل مختلف اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی آثار نامطلوبی را بر نظام اقتصادی کشور وارد می سازد . در این میان نواحی مرزی استان سیستان و بلوچستان به ویژه روستاهای مرزی (قرقری - تخت شاه - دوست محمد و...) استان به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه نیافتگی اقتصادی، کمبود امکان اشتغال و ... در زمره ی مناطق منزوی به شمار می رود. در واقع ویژگی های اقتصادی و اجتماعی و خصوصیات قومی و بالاخره ضرورت های سیاسی مناطق مرزی ایجاب می کند که مساله نیروی انسانی و اشتغال از ویژگی های فوق العده ای برخوردار باشد . با این حال مناطق مرزنشین دارای فرصت های زیادی برای انجام عملیات زیر زمینی قاچاق می باشد . این شیوه از رایج ترین استغلات مرسوم در مناطق مرزی بوده که در واقع از امتیازات این مناطق به شمار می آید و اغلب ساکنین مناطق مرزی مشارکت در امر قاچاق را نوعی مزیت نسبی و فرصت ژئوپولتیکی سرزمین خود تلقی می کنند.

### زمینه های پیدایش قاچاق کالا در استان سیستان و بلوچستان :

۱- موقعیت ژئوپلیتیک استان : همسایگی استان سیستان و بلوچستان با کشور های پاکستان و افغانستان و آبهای آزاد (دریای عمان) و وابستگی ها و تعلقات قومی و قبیله ای شرایطی را مهیا ساخته که ساکنان استان به راحتی بتوانند با همز بان خود در این دو کشور ارتباط برقرار نمایند. شرایط طبیعی و موقعیت جغرافیای استان و در کنار ان فقدان زیر ساخت های اقتصادی مناسب و منابع معیشتی و اشتغال ، به شکل بالقوه این شیوه معیشت را در نهاد استان قرار داده که متأسفانه یکی از عوامل عمده در ایجاد نا امنی ها نیز می باشد.

۲- خصلت های عشایر بلوچ: عدم رابطه صمیمی متقابل میان حاکمیت کشور و قوم بلوچ به مفهوم کلی آن از گذشته تا کنون با شدت و ضعف ادامه داشته و این امر سبب عدم شکل گیری و استمرار حس اعتماد به دولت مرکزی در ذهن آن ها شده است . از پیامد های این عدم حس اعتماد به دولت مرکزی پنهان کاری است که جز خصلت ها و ویژگی های عشایر استان محسوب میشود . در دهه های گذشته بلوچ رفتارهای خاصی داشته است به طوری که در بیشتر نقاط بلوچستان مرکزی جنوبی و سرحد طوایف کوچ نشین به غارت و چپاول سرزمین های مجاور می پرداختند. البته این امر در فرهنگ آنان با دزدی و دستبرد تفاوت داشته است ؛ زیرا هنگامی که به چپو می رفتند دسته جمعی حرکت کرده ، اشعر حماسی می خواندند و در این شرایط خطر اسارت و کشته شدن در بالاترین حد خود وجود داشت. با این حد پس از هر چپو برای مدت ها

خاطرات ان باقی و نقل محافل بوده است. افرادی که در این عملیات رشادت و جسارت بیشتری نشان می دادند، شان اجتماعی بالاتری کسب می کردند و انگشت نما می شدند. هنگامی که اقتدار حکومت مرکزی در دوران پهلوی اول تسری یافت و نهادهای نظامی و امنیت نواحی مختلف بلوچستان را به دست گرفتند، پدیده دیگری که منطبق با روحیات عشایر استان بود رخ نمود و ان قاچاق بود. نخستین مورد قاچاق با توجه به شرایط خاص ان برهه، قاچاق اسلحه بود. که به تدریج این جریان به قاچاق کالا و سپس تجارت پرمفعت مواد مخدر ( در مواقعی که جلوی قاچاق کالا به شدت گرفته می شد ) کشیده شد، چراکه سود حمل چندین کیلو گرم مواد مخدر به مراتب بیشتر از سود حمل چندین تن کالای قاچاق بود. البته لازم به ذکر است که این امر در کلیه مناطق استان مصداق نداشته است

**۳- جنگ داخلی افغانستان و مهاجرت افغانه به ایران :** طی سال ۱۳۵۷ و سال های پس از ان به دنبال تغییرات سیاسی در کشور افغانستان و بروز ناامنی و جنگ در این کشور، بسیاری از اتباع افغانی در مقیاس وسیع به استان سیستان و بلوچستان مهاجرت کردند. بخشی از این جمعیت در فعالیت های کشاورزی، گروهی در فعالیت های دامداری، برخی در مشاغل ساختمانی و شمار قابل توجهی در مشاغل خدماتی از جمله داد ستد و مبادله کالا جذب شدند. از انجا که شماری از این مهاجران قبل از ورود به ایران نیز در قاچاق کالا و مواد مخدر دست داشته اند، مهاجرت ان ها به استان زمینه گسترش اینگونه فعالیت ها را مهیا ساخته به طوری که با توجه به مشترکات زبانی و فرهنگی که بین این مهاجران ( علی الخصوص مهاجران افغانی بلوچ ) و ساکنان بلوچ استان و پاکستان وجود داشت، به زودی سازمانی هتتشکل از این نیروها و بلوچ های دست اندر کار قاچاق به وجود آمد که نمود عینی ان در حال حاضر در بازار چهار راه رسوای زاهدان به خوبی مشهود است. امکان تردد راحت این افراد و همچنین آشنایی بیشتر انان با مبادی تهیه و ورود کالا، به خصوص کالاهایی که از پاکستان وارد کشور می شوند یا از داخل کشور به پاکستان قاچاق می کردند انها را در شرایط کنونی به دست اندرکاران اصلی قاچاق کالا تبدیل کرده است.

**۴- جنگ ایران و عراق:** جنگ تحمیلی نیز به نوعی در توسعه فعالیت های قاچاق کالا تاثیر گذاشته است گسیل نیروهای نظامی و انتظامی که در سالهای اولیه انقلاب کنترل شدیدی را بر مرزها اعمال می کردند به جبهه های جنگ و همچنین عدم امکان تخصیص اعتبار لازم برای واردات برخی از کالا های مورد نیاز جامعه از سوی دولت به واسطه محدودیت های ارزی، و نیاز به منابع ارزی و در امدی موجود برای خرید تسلیحات و تجهیزات جنگی کمبودهایی را در بازار داخلی در پی داشت. تقاضای فراوان برای چنین کالاهایی در بازار داخلی، واردات انها را از طریق غیر مجاز از جمله از مرزهای استان سیستان و بلوچستان مقرون به سود و صرفه کرد. (کلهر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴، ۵، ۶)

به طور کلی برنامه مبارزه با قاچاق کالا و سایر عوامل ناامنی مسئله ای نیست که بتوان به راحتی با ان مبارزه کرد بلکه با برخورد جدی و به کار بستن قوانین و فعال کردن کانال های اشتغال زایی در این مناطق می توان این معضل اجتماعی را برطرف کرد به طور کلی از جمله دلایل وجود این پدیده در استان می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

- ۱- ترک تحصیل و عدم انگیزه به درس در میان اکثریت نوجوتنان و جوانان استان به خصوص روستا های مرزی استان.
- ۲- وارد کردن بسیاری از کالاها از جمله ماهواره و ویدیویی، و منسوجات و ... که باعث می شود جوانان به راحتی به این وسایل دسترسی داشته باشند و در معرض آسیب های فرهنگی قرار گیرند.
- ۳- وارد کردن کالاهای قاچاق بدون کنترل گمرکی که در درجه اول به اقتصاد استان و در جه بعد به اقتصاد کل کشور لطمه و آسیب های فراوانی وارد کرده بنا براین با توجه به اهمیت مناطق مرزی و با عنایت به انواع فقر (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) این مناطق لزوم شناسایی مسائل و مشکلات، همچنین پتانسیل های توسعه این مناطق به نحو بارزی نمایان میباید. لذا جهت زودودن فقر و جلوگیری از تخلیه جمعیتی روستاهای این مناطق که هدف مسئولین نیز می باشد بایستی گام های اساسی برای از بین بردن این مسائل برداشته شود.



### بررسی مولفه های ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی:

ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی مولفه های متعددی دارد. از جمله این اقدامات میتوان به توسعه اقتصادی اشاره کرد که باعث ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی خواهد شد. به نظر نگارنده با ایجاد فرصت های اقتصادی مناسب می توان به یک امنیت پایدار در مناطق مرزی دست یافت و مانع بهانه تراشی افراد فرصت طلبی شد که به دنبال دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرهنگی هستند. همچنین برای ایجاد امنیت پایدار توجه به عشایر و مرزنشینان ضروری است. در واقع تداوم امنیت ایجاد شده در سایه توسعه اقتصادی به توجه و عنایت دولت به مناطق مرزی و به خصوص مرزداران بستگی دارد. در حال حال حاضر در نوار صفر مرزی استان سیستان و بلوچستان روستاهایی داریم که جمعیت زیادی در این مناطق سکونت دارند؛ این قشر عملا مرزداران و مرزبانانی هستند که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نمی کنند. به عبارت دیگر، این ها در حالی نقش امنیتی در مرز را ایفا می کنند که هیچ گونه هزینه جاری برای دولت ندارند. و باید در بخش های زیرساختی، اشتغال و توسعه به مناطق مرزی و مرزنشینان توجه شود تا حداقل امکانات در این مناطق ایجاد و از مهاجرت مرزنشینان به نقاط دیگر جلوگیری شود. در واقع ثبات و حضور همیشگی مرز نشینان ضامن امنیت پایدار در مناطق مرزی می باشد. و همچنین قابل ذکر است که انسداد مرزها به عنوان یکی از مولفه های ایجاد امنیت در مناطق مرزی در کوتاه مدت جوابگو بوده و به اعتقاد نگارنده فرایند انسداد مرز در بلند مدت معنا ندارد و باید با اتکا به ابزار و تجهیزات نرم افزاری به کنترل مرزها بپردازیم. و با به کارگیری تدابیر هوشمندانه، زمینه استفاده مرزنشینان از فرصت های مرزی و ایجاد امنیت پایدار در این مناطق را فراهم کنیم.

ایجاد بازار چه های مرزی از مهمترین مولفه های ایجاد امنیت در مناطق مرزی می باشد زیرا در واقع. بازارچه های مرزی، خلاء موجود در محدوده مرزها را جبران و برطرف کرده و از خالی شدن حاشیه مرزها جلوگیری می کنند که این امر خود می تواند در بالا بردن ضریب امنیت مرزها و جلوگیری از قاچاق، و ایجاد اشتغال بسیار موثر واقع شود. استان سیستان و بلوچستان از پتانسیل های شایسته ای مثل داشتن بازارچه های مرزی در مناطق مختلف استان (مثل بازارچه های میلک، میر جاوه، پیشین و کوهک که از توابع شهرستان سراوان و جالق، ریمدان، و گمشاد و پسابندر) برخوردار است که توجه به آنها و استفاده بهینه از آنها گامی بزرگ در از بین بردن پدیده شوم قاچاق است. مسوولان ملی و استانی باید به این مقوله مهم توجه جدی داشته و باور کنند با سرمایه گذاری های بزرگ در مناطق مرزی و حمایت از صادرکنندگان بازارچه های مرزی می توانند نگاه مرزنشینان مخصوصا جوانان را به سمت فعالیت صحیح از طریق بازارچه های تجاری مرزی سوق دهند. و همچنین بازارچه های مرزی باید از امکانات پیشرفته ای بهره مند شوند و دولت و مسوولان استانی برای توسعه این بازارچه ها که منبع درآمد خوبی برای مرزنشینان هستند اعتبار مناسبی اختصاص دهند. با وجود بازارچه های مرزی و در نتیجه مبادلات مرزی و صدور محصولات تولیدی از طریق این بازارچه ها، نه تنها مشکلات معیشتی مرزنشینان حل می شود بلکه سرمایه ای نیز برای ورود به عرصه های بزرگ اقتصادی به دست می آید. اما باید گفت متاسفانه در استان سیستان و بلوچستان بازارچه ها به چند دلیل خوب عمل نکرده اند نخست آنکه در همسایگی ما کشور پاکستان قرار دارد که نسبت به سرمایه گذاری در نقاط مشترک مرزی خود با ایران تمایلی ندارد.

۲- بازارچه ها به جای اینکه روی مسائل اقتصادی در درازمدت کنند روی سود های آنی کار کردند و معمولا در بازارچه ها کالا های فاقد کیفیت عرضه می شد که باعث شد در آن سوی مرز نسبت به این بازارچه ها ذهنیت منفی ایجاد شود به همین دلیل مدت هاست که این بازارچه ها در مرز افغانستان تعطیل شده است.

۳- عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی و ... که کمک دولت را می طلبد و در ابتدا باید وزارت بازرگانی و صنایع و معادن و سایر ارگان هایی که متولی این امور هستند سرمایه گذاری کنند تا بخش خصوصی نیز تشویق شود.

**اثبات فرضیه:**

طی سال های گذشته شاهد بودیم که در ارتباط با امنیت مرزها بیشتر بر روی عواملی چون انسداد مرزها و تجهیز نیروهای مرزبانی تاکید شده است اما در این میان مولفه های غیر امنیتی مانند توجه به وضعیت اقتصادی مردم منطقه و مسائل فرهنگی و... می تواند در ایجاد امنیت مرزها موثر باشد، در واقع در دنیای امروز به موضوع امنیت یک بعدی نگاه نمی شود. یعنی امنیت صرفا از منظر نظامی و انتظامی مورد توجه نیست بلکه امنیت را با همه وجوه آن تبیین می کنند. بنابراین باید به تمامی وجوه امنیت توجه کرد تا از یک امنیت فراگیر و پایدار بهره مند شد. این که بخواهیم فقط از یک بعد به موضوع نگاه کنیم بی گمان توفیقی در حصول امنیت پایدار و ماندگار نخواهیم داشت. در این ارتباط امنیت ابعاد مختلفی دارد که از جمله می توان به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... اشاره کرد.

در استقرار امنیت به طور حتم باید نگاه بومی وجود داشته باشد؛ یعنی ما باید سنت های حکم و ارزش های پذیرفته شده بر یک جامعه را مدنظر قرار دهیم تا بتوانیم به یک امنیت پایدار دست بیابیم. این که در برخی از اقدامات امنیتی احساس ناکارآمدی می شود، ناشی از این مسئله است که به همه ابعاد مرتبط با امنیت توجه نشده است. به عبارت دیگر به موضوع امنیت چندوجهی نگاه نمی شود و این موجب می شود که امنیت در یک بخش تامین شود و در بخش دیگر با ضعف روبه رو باشد.

در واقع اگر در جامعه ای بیکاری، قاچاق کالا یا مواد مخدر، فحشا و بی بندوباری و یا دیگر معضلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وجود داشته باشد زمینه لازم برای امنیت پایدار فراهم نمی شود؛ حتی اگر با حضور نیروهای نظامی، انتظامی تلاش شود که امنیت برقرار شود، بی گمان امنیت به طور کامل و مطلوب برقرار نمی شود و در بسیاری از مواقع با چالش هایی نیز روبه رو خواهد شد.

**نتیجه گیری :**

۱- مناطق مرزی یکی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می روند.  
 ۲- شناخت تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بر امنیت مناطق مرزی از مهمترین نکات درک آسیب پذیری های امنیتی به منظور جلوگیری از هر گونه تنش و کنش های ضد امنیتی به شمار می رود.  
 ۳- با توجه به مرزی بودن استان و آسیب پذیری آن از لحاظ توسعه و امنیت می توان گفت قاچاق کالا در این منطقه غیر قابل انکار است.

۴- مجموعه مسائل و مشکلات اقتصادی در مناطق مرزی ضمن فراهم آوردن بستر ارتکاب به جرم و تردد های غیر مجاز به آن سوی مرز تبعات سوئی امنیتی را به همراه دارد و بر قراری نظم و امنیت این مناطق را با مشکلات و تهدیداتی روبه رو کرده است.

۵- مرزنشینان نسبت به سایر اقشار استان از نظر اقتصادی آسیب پذیر تر می باشد.

۶- توسعه و امنیت در مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر است.

۷- توسعه نیافتگی در مناطق مرزی که منجر به ناامنی می شود، اثرات خود را بر توسعه نیافتگی و ناامنی در کل کشور می گذارد.

**پیشنهادات :**

۱- ممنوعیت اقامت و تردد افغانه در شهرهای مرزی ؛

- ۲- سوق دادن سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی از طریق تشویق آنان (عطای تسهیلات بلند مدت) به مناطق مرزی ؛
- ۳- توسعه کشاورزی در مناطق رهمجوار مرز و ایجاد تعاونی‌های کشاورزی در مناطق مرزی نیز از اقدامات موثر است .
- ۴- دادن امکانات و خدماتی مثل آب ، برق ، گاز، تلفن ،امکانات بهداشتی و آموزشی به روستاهای مرزی برای حفظ جمعیت در این مناطق ؛
- ۵- تقویت بازارچه مرزی استان :این واحدهای اقتصادی در حال حاضر با ۵۰٪ ظرفیت خود مشغول به کار هستند.
- ۶- به‌کارگیری تجهیزات الکترونیکی و لجستیکی پیشرفته در مرزها

منابع :

- ۱- اعتماد سلطان محمد (۱۳۷۵). امنیت و ثبات اجتماعی در برنامه‌های آمایش سرزمین، ایجاد قطب‌های جدید اقتصادی و سیاسی جابجایی جمعیت. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی. جلد سوم. ناشر وزارت کشور
- ۲- پیرنیا ،حسن، ۱۳۷۷، ایران باستان
- ۳- خطابی، غلامحسین ،۱۳۷۶، مرز و مرزبانیر، تهران، معاونت آموزشی ناجا
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۵، بانک اطلاعات استان سیستان و بلوچستان
- ۵- سازمان بین‌المللی کار ۲۰۰۲ کارشناسی و اقتصاد غیررسمی، ترجمه محمد ضیاء بیدگلی، تهران انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی
- ۶- سرور، رحیم. (۱۳۸۴). جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین. تهران. انتشارات سمت
- ۷- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۶۳، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پایند
- ۸- طرح ایجاد بازارچه‌های مرزی، ۱۳۶۹، تهران دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه طرح‌های توسعه
- ۹- عندلیبی، علی رضا، ۱۳۸۰، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی، تهران انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد سپاه
- ۱۰- عندلیب، علیرضا، ۱۳۷۹، آمایش مناطق مرزی با تاکید بر ملاحظات امنیتی - دفاعی
- ۱۱- فرای، ریچارد نلسون ، ۱۳۸۰، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا
- ۱۲- کلهر، رضا، صارمی، نوذرامین، نیاورانی، حامد؛ ۱۳۸۷، تاثیر اقدامات بلوکی ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره دوم، ۱۸۱-۱۶۹
- ۱۳- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۲، روابط بین‌المللی در تئوری و در عمل، تهران، نشر قومس
- ۱۴- مجتهد زاده، پیروز، ۱۳۸۷، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی شیرازی
- ۱۵- ملک رئیسی، حسین، ۱۳۸۱، جغرافیای استان سیستان و بلوچستان
- ۱۶- نورمحمدی، خسرو، ۱۳۷۱، بررسی طرح ایجاد مناطق ویژه تجارت مرزی، تهران دانشکده اقتصاد د دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۷- یاسوری، مجید. (۱۳۸۴). سیاستگذاری منطقه ای و چگونگی نابرابری ها در کشور. فصلنامه سیاسی- اقتصادی. شماره ۲۱۲-۲۱۱ .

Source:

1-<http://resaneh-stu.blogfa.com>

2-[www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)

3-[www.khorasannews.com](http://www.khorasannews.com)

4- <http://mshojai.ir>

